



مجید مهران

همایش بررسی مطبوعات

در جریان

ملی کردن نفت ایران

۱- موضوع همایش

در تاریخ یکشنبه بیستم آذرماه ۱۳۸۴ همایشی در موضوع «بررسی مطبوعات در دوران ملی کردن نفت ایران» در موسسه‌ی مطالعات تاریخ معاصر ایران تشکیل شد. آقای مرتضی رسولی از دبیران موسسه، با شایستگی و بی‌طرفی جلسه را اداره کرد. ابتدا آقای دکتر هرمیداس باوند استاد دانشگاه امام جعفرصادق و از دیپلمات‌های برجسته که اکنون بازنشسته شده‌اند، شرح مبسوطی درباره‌ی سوابق تاریخی و روند ملی کردن صنایع در قاره‌ی اروپا خصوصاً کشور انگلستان و نقش مهمی که دولت کارگر در زمان نخست‌وزیری کامنت اتلی بازی کرد، بیان داشتند و اشاره کردند دولت دکتر مصدق در چارچوب قانون ۹ ماده‌بی ملی کردن نفت، خود را محدود کرده بود و با این که پیشنهاد بانک جهانی نسبت به پیشنهادات قبلی امتیازاتی داشت، به همین دلیل نتوانست آن را بپذیرد و از منع قانونی پا را فراتر گذارد.

آقایان محمود طلوعی و محمد کشاورزبان که سوابق طولانی در جامعه‌ی روزنامه‌نگاران دارند، در خصوص وضع مطبوعات در دهه‌ی ۲۰ و آشفتگی که پس از شهریور ۲۰ در جامعه‌ی روزنامه‌نویسان پیش آمده بود، سخنانی ایراد کردند. آن‌گاه، نخست، آقای دکتر محمدرضا جلالی نائینی درباره‌ی نقش دکتر حسین فاطمی در خصوص ملی کردن نفت که اولین کسی بود این پیشنهاد را در جبهه‌ی ملی مطرح کرد سخنانی گفتند. آقای سیدعبدالله انوار هم با ذکر قسمت‌هایی از کتاب **اسناد سخن می‌گویند** که در سال گذشته منتشر شده است، اشاره کردند حقایقی را امریکایی‌ها براساس اسناد متفن گفته‌اند که خیلی از ابهامات را در وقایع ملی کردن صنعت نفت و کودتای ۲۸ مرداد را برطرف می‌کند و بسیاری از تصورات ما را باطل می‌سازد.

آن‌گاه آقای پروفیسور حسن امین از شخصیت‌های علمی و فرهنگی بدین شرح مطالبی بیان داشتند:

«مطبوعات در دوران حکومت ملی دکتر مصدق دو وجه مثبت داشتند:

اول این که اهل قلم نیازی به اخذ مجوز برای انتشار مطبوعات نداشتند و هر کس که علاقه‌مند به نشر مطبوعه‌ی اعم از روزنامه یا مجله بود، می‌توانست بدون این که منتظر بماند «صلاحیت» او از طرف دولت وقت تأیید شود، دست به انتشار بزند. این امر، در آن

برهه، در عمل، چنان که آقای طلوعی گفتند، موجب «هرج و مرج مطبوعاتی» و از جمله نشر روزنامه و هفته‌نامه به وسیله‌ی چند تن بی‌صلاحیت هم شد؛ اما به عقیده‌ی من این تقصیر دولت وقت نیست. در یک جامعه‌ی دموکراتیک، ناشر روزنامه نباید محتاج تأیید صلاحیت از طرف دولت و اخذ پروانه از دولت باشد. اما اگر اشخاص فاقد صلاحیت از این آزادی سوءاستفاده کنند، جامعه باید با فرهنگ کافی، فحش‌نامه‌ها و انتشارات بی‌ارزش را بایکوت کند و انتشارات چنان مطبوعاتیان ناصالحی را نخرد.

نکته‌ی دوم این که در دوره‌ی حکومت ملی دکتر مصدق، علاوه بر رونق مطبوعات در تهران، مطبوعات مستقل در سرتاسر کشور حتا در شهرهای کوچک هم پا گرفت و مثلاً در شیراز، روزنامه‌های **پارس، جهان‌نما و گلستان** منتشر می‌شد و این‌ها همه در بخش خصوصی و مستقل از دولت منتشر می‌شدند.»

۲- نقادی‌های مختلف

نکته‌ی که در طول پرسش و پاسخ این همایش برای من قابل اعجاب بود، این بود که پس از گذشت ۵۴ سال از تشکیل کابینه‌ی دکتر مصدق در اردیبهشت ۱۳۳۰ و نقش مهمی که او در ملی کردن نفت بازی کرد و در چندین جناح داخلی و خارجی بی‌امان مبارزه کرد، هنوز اغراض و حب و بغض‌ها و بهتر بگوییم، عقده‌ها خاموش نشده‌اند تا حدی که یکی از منتقدان معتقد بود، مصدق قصد داشت سرتیپ افشار طوس را اعدام کند؛ و خودش وسایلی فراهم کرد تا کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ وقوع پیدا کند!

این آقای منتقد، علاوه بر این که قهرمان ملی ایرانیان را که در خاورمیانه درخشید، نفی می‌نماید، پا روی حقایق می‌گذارد. به قضاوت تاریخ، مصدق اولین شخصیت سیاسی بود که در برابر استعمار قد علم کرد و انواع دشنام‌ها را شنید و خانه‌اش را تاراج کردند و پای میز محاکمه رفت و علاوه بر سه سال حبس مدت دوازده سال در احمد آباد در واقع تبعید نبود، بلکه زندانی بود، تا حدی که مکاتبات خصوصی او زیر نظر ماموران ساواک به‌زحمت صورت می‌گرفت و ممنوع الملاقات بود، حال به‌زعم عده‌ی بی‌کمک انگلیس‌ها به نخست‌وزیری رسیده است؟! این استدلال به قدری بی‌پایه است که حاجت به پاسخ ندارد و تاریخ قضاوت صحیح را خواهد کرد.



عبدالله انوار - حسن امین در همایش ۲۰ آذر ۸۴

دانشگاه‌های انگلستان تحصیلات عالی‌ه کرده بود، مهندس کاظم حسیبی ست که علاوه بر این که حسابدار قسم‌خورده بود، در امر نفت و به‌طور کلی معادن اطلاعات وسیعی داشت، و نیابتی فراموش کنیم که نطق‌های طولانی حسین مکی نماینده‌ی تهران در دوره‌ی پانزدهم مجلس شورای ملی، درباره‌ی رد لایحه‌ی گس - گلشائیان را او تهیه کرده بود و سراسر انتقاداتی که کرده بود، مبنای علمی داشت و دلایل مستدکی ارائه کرده بود.

یکی از منتقدان حاضر در این جلسه ایراد گرفت که حسیبی با استخاره تصمیم می‌گرفت؛ ولی نمی‌توان او را به دلیل آن‌که اعتقادات مذهبی داشت و گاهی استخاره می‌کرد، به کلی نفی کرد و او را عامی خطاب کرد. بدبختانه مهندس حسیبی از میان رفته است و خودش نیست که جواب دهد چرا پیشنهاد بانک جهانی را که به مصدق داده بودند، او اصرار ورزید، نپذیرد؛ چه منافعی را در خطر دیده بود؟ و نباید نادیده بگیریم که مصدق به آسانی زیر بار کسی نمی‌رفت ولو آن‌که از دوستان و یارانش باشند. ■

بزرگداشت فروهرها

در بعدازظهر روز یکم آذر ۱۳۸۴ مراسم هفتمین سالگرد قتل داریوش و پروانه فروهر در منزل آن دو (واقع در تهران، دروازه شمیران، خیابان هدایت) با حضور بسیاری از مردان و زنان فرهیخته و آگاه بویژه جوانان و دانشجویان برگزار شد. تنها سخنران این مراسم، پرستو فروهر بود و شخصیت‌های زیر در منزل فروهرها حضور یافته بودند: (به ترتیب حروف الفبا): دکتر سعید آل‌آقا، مهندس بهاء‌الدین ادب، دکتر مه‌لقا اردلان، مهندس عباس امیرانتظام، پروفیسور حسن امین، دکتر هرمیداس باوند، ادیب برومند، محمد بسته‌نگار، دکتر ناصر تکمیل‌همایون، سرهنگ نصرالله توکلی، دکتر فریبرز رئیس‌دانا، دکتر ناصر زرافشان، دکتر احمد زیدآبادی، احمد ساعی، مهندس عزت‌الله سبحانی، خسرو سیف، مهندس حسین شاه‌اویسی، حسین شاه‌حسینی، هدی صابر، شیرین عبادی، دکتر محمدتقی متقی بهبهانی، دکتر محمد ملکی، شیخ احمد منتظری، مهندس نظام‌الدین موحد، عبدالله مؤمنی، دکتر احسان نراقی، دکتر پرویز ورجاوند.

منتقدان دیگر، بی‌انصافانه مشاورین مصدق را «عامی» می‌خواندند.

نکته‌ی جالبی که در این موضوع به نظر این بنده رسیده است، این است که شادروان دکتر مصدق پس از پنجاه‌سال سابقه‌ی سیاسی، مطالعات حقوقی و تجربیات فراوانی که در زمینه‌های سیاست‌مداری و مطالب حقوقی آموخته بود و از طرفی اختیارات قانون‌گذاری از مجلسین شورای ملی و سنا به او تفویض شده بود، به فرض این که مشاوران ایشان پیشنهاد پنجاه، پنجاه بانک جهانی را معایر قانون ملی کردن نفت دانستند، آیا نمی‌توانست با تصویب لایحه‌ی در مواد قانون ملی کردن صنعت نفت جرح و تعدیلی ایجاد کند و در نتیجه این پیشنهاد را بپذیرد؟

آیا با فراستی که او داشت فکر نمی‌کرد، اگر این پیشنهاد را نپذیرد، چرچیل و آیزنهاور که دست در دست یک‌دیگر داشتند، به هر نحوی شده مقدمات سقوط او را فراهم خواهند کرد و اگر مصدق به این بن بست رسیده بود، چرا به جای استعفا و کناره‌گیری که وجهه‌ی سیاسی خود را هم حفظ می‌کرد، مقدمات سقوط حکومت خود را با کودتای ۲۸ مرداد فراهم کرده است؟

از این‌ها گذشته آیا مصدق استنباط نکرده بود که شرکت‌های نفتی معروف به «هفت خواهران» به کمک دولتین انگلیس و آمریکا با منافع سرشاری که از ذخایر نفتی خاورمیانه می‌بردند و کماکان می‌برند، ممکن نبود به ایران اجازه دهند، بیش از حد معیّنی امتیاز داشته باشد. در واقع رد پیشنهاد بانک جهانی، هسته‌ی اولیه‌ی تشکیل کنسرسیوم نفت با شرکت هشت شرکت خارجی در حکومت تیمسار زاهدی را گذاشت. عقل سلیم قبول نمی‌کند که دکتر مصدق به این مسایل توجه نداشت و غافل بود که پافشاری زیاده از حد پای شرکت‌های خارجی را در این جا باز می‌کند و به عقل مصدق نرسیده بود که بین بد و بدتر مسلماً برای حفظ منافع کشور بد را انتخاب کند؟ و شرکت ملی نفت ایران با وجود استخدام کارشناسان انگلیسی به مصالح ایران نزدیک‌تر بود تا پای آمریکا و فرانسه و هلند هم باز شود و منافع جزئی به ما بدهند. دکتر علی امینی در مجلس صریحاً بگوید: این قرارداد ایده‌آل نیست، بهتر از آن کوشش ما به‌جایی نرسید.

من همواره فکر می‌کردم با گذشت نیم‌قرن بالاخره پرده‌های ابهام از وقایع ملی‌کردن نفت، برداشته خواهد شد، ولی با پرسش و پاسخ‌هایی که در این همایش که چه از نظر شخصیت سخنرانان و چه مقام اجتماعی مدعوین قابل ملاحظه بود، شنیدم، به این نتیجه رسیدم که هنوز زود است تا گفتنی‌ها بیان شود و هنوز عقده‌هایی هست که نمی‌گذارد، حقایق افشا گردد.

آرزو می‌کنم تا حیات دارم شاهد روزی باشم که در این گردهمایی‌ها اشخاص بی‌غرض، حقوق‌دان و کارشناسان سیاسی و اقتصادی این قضایا را حل‌اجی کنند و خصوصاً نسل جوان را در باره‌ی تاریخ معاصر کشورمان آگاه نمایند و از سردرگمی‌هایی یابند.

۳- دفاع از مهندس حسیبی

ضمناً این‌که گفته شد مشاوران دکتر مصدق مردم عامی بودند، خیلی بی‌انصافی‌ست. یکی از مشاوران صدیق ایشان که در